



شیوه های پولی جبران خسارت قراردادی در حقوق ایران، امارات و کنوانسیون بیع بین المللی کالا

منصور شکیبیا^۱، پژمان محمدی^۲، سیاوش شجاع پوریان^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۰۷

صفحات ۱۰۷ تا ۱۳۷

چکیده

مسئله جبران خسارت ناروا، در همه نظام های حقوقی مطمح نظر واقع شده است. جبران خسارت مستلزم ارزیابی خسارت وارده است و ارزیابی نیازمند اعمال شیوه ای است که بتواند خسارت وارده را حتی الامکان به نحو کامل جبران کند. در حقوق ایران مهمترین و شایعترین روش جبران خسارت که اجرای آن آسان تر و سریعتر است، روش پولی جبران خسارت می باشد که براساس آن معادل پولی خسارت محاسبه و به موجب حکم دادگاه به زیان دیده پرداخت می شود. لیکن اجباری نیست و امکان تراضی طرفین در انتخاب شیوه وجود دارد. در حقوق امارات متحده عربی، شیوه پولی در قالب پرداخت نقدی بیان شده که مهمترین روش محسوب می گردد و علاوه بر امکان تراضی طرفین دعوا، دادگاه در انتخاب روش جبران مختار است و هدف جبران کامل خسارت است. در مواد مختلف کنوانسیون بیع بین المللی کالا به مقوله جبران کامل خسارت ناشی از نقض قرارداد پرداخته شده و با بیان حکم کلی، از لزوم جبران خسارت، انعقاد معامله جایگزین و رجوع به قیمت رایج و نیز به قاعده تقلیل خسارت اشاره کرده است که متفاوت از دو نظام حقوقی دیگر است. واژگان کلیدی: شیوه های پولی، پرداخت نقدی، جبران خسارت قراردادی، کنوانسیون بیع بین المللی کالا.

*دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

**دانشیار گروه حقوق، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران. نویسنده مسئول، ایمیل: Meryar1381@yahoo.com

***استادیار گروه حقوق، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

مقدمه

ورود خسارت و به تبع آن جبران خسارت وارده در حوزه های مختلف حقوق نمایان و مشهود است. از طرفی ابهاماتی که نظام حقوقی ایران را تحت تأثیر قرار داده و در مقایسه با روند تحولات نظامهای حقوقی نوین جهانی، خودنمایی می کند و به سهولت نمی توان از آنها گذشت، لزوم دستیابی به یک نظام حقوقی و قضایی منسجم در ایران برای جبران خسارت وارده به اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی بر اساس بهترین شیوه های جبران که زیان‌دیده را در وضعیتی که قبل از ورود خسارت داشته و یا نزدیک به آن وضعیت قرار دهد، بیش از پیش آشکار می سازد. بعلاوه کهنگی مقررات و لزوم بروز نوآوری نظام حقوقی نیل به این مقصود مهم را اجتناب ناپذیر می نماید.

البته تغییراتی در نظام حقوقی ایران به تدریج صورت گرفته و لیکن چشمگیر و بنیادی نبوده، تحول جدیدی محسوب نمی شود. رویه قضایی و چشمگیر و بنیادی نبوده، تحول جدیدی محسوب نمی شود. رویه قضایی و نظام تقنین ایران توفیق قابل توجهی در زمینه اصلاح و تغییر قوانین در صحنه حقوق داخلی نیافته است و در جهت همپایی با تلاشهای تقنینی بین المللی از جمله کنوانسیون‌ها و اسناد بین المللی که نواقص و نارسایی های حقوق داخلی را بیشتر آشکار می سازد، گام مفید و موثری برداشته نشده است.

به منظور دستیابی به یک نظام کار آمد و منسجم در امر جبران خسارت و لحاظ بهترین شیوه جبران، مطالعه تطبیقی مفید و راهگشا می باشد. لذا همراه با اولین نظام حقوقی منتخب (ایران) نظام حقوقی امارات متحده عربی و کنوانسیون ۱۹۸۰ وین که حاصل تلاش ممتد برای تنظیم و تنسیق مقررات یکنواخت در زمینه بیع بین الملل کالا است مورد مطالعه تطبیقی قرار می گیرد.

جبران خسارت زیان‌دیده ممکن است به دو صورت انجام پذیرد: ۱- برگرداندن وضع زیان‌دیده به صورت پیشین خود. ۲- جبران خسارت از راه دادن معادل. این دو طریق جبران خسارت اصول حاکم بر تعیین شیوه های جبران خسارت نامیده می شوند، اولی بدین معنی است که ضرر وارده آنچنان تدارک شود که گویی از اصل، زیان وارد نیامده است و دومی بدین گونه است که جایی که اعاده وضع زیان‌دیده به صورت پیشین امکان نداشته باشد، ارزشی معادل آنچه از دست رفته به دارایی زیان‌دیده افزون شود.

شیوه های جبران خسارات قراردادی که مشتمل بر شیوه های پولی و شیوه های غیر پولی (عینی) در حقوق سه گانه بررسی می شود.

در این مقال شیوه های پولی جبران خسارت قراردادی در حقوق ایران، امارات و کنوانسیون بیع بین المللی کالا مورد ارزیابی قرار می گیرد. مقصود از شیوه های پولی جبران خسارت، روشها و طرقی است که در آنها معادل پولی خسارت وارده محاسبه و به زیان‌دیده پرداخت می شود که شایع ترین روشهای جبران خسارت در مسئولیت های قراردادی و نیز قهری است و اجرای آن از طرق و روشهای دیگر جبران خسارت، از نظر دادگاه و طرفین دعوا سریع تر و آسان تر است. (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۸۰۶)

گفتار اول: ایران

یکی از مسایل مهم در قراردادهای مدتدار چون بیع نسبه و قرض، امتناع بدهکار از پرداخت به موقع بدهی است، و این پدیده هرچند گاهی به حقوق بلادفاع باشد آثار سوء فراوانی بر جای می گذارد که مهم ترین آنها سلب اعتماد عمومی، کاهش معاملات مدتدار، کاهش اعطای قرض الحسنه، سنگین شدن وثیقه‌ها و ضمانت‌ها در قراردادهای مالی و کاهش حجم مبادلات و رفاه عمومی است. این در حالی است که امروزه بخش مهمی از معاملات به ویژه در سطح عمده فروشی به صورت مدتدار است. در بیش تر جوامع بشری به ویژه کشورهای پیشرفته برای حل مشکلات و کاستن از آثار سوء

۱۱۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

تعویق پرداخت بدهی‌ها، قوانین و راه‌کارهایی تنظیم شده است که در عین تنوع، در دو گروه طبقه بندی می‌شوند. گروه اول مربوط به بدهکارانی است که به دلایلی چون ورشکستگی و حوادث دیگر ناتوان از پرداخت بدهی هستند و گروه دوم مربوط به بدهکاران مختلفی است که با وجود تمکن از پرداخت بدهی، نقض تعهد کرده از پرداخت بدهی امتناع می‌کنند. در کشور ایران نیز برای تشخیص و حل مشکل گروه نخست، قوانین خاصی چون قانون ورشکستگی و اعسار مطرح است و برای پیش‌گیری از تخلف و مجازات متخلفین گروه دوم نیز قوانین خاصی با عنوان «جریمه تأخیر تأدیه» و «خسارت تأخیر تأدیه» در موارد مختلف چون قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۲ و قانون نحوه وصول مطالبات بانک‌ها مصوب ۱۳۶۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام وضع شده است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و به دلیل حساسیت مردم و مسئولین نظام به اسلامی شدن قوانین و تشابه خیلی زیاد عناوین «جریمه تأخیر تأدیه» و «خسارت تأخیر تأدیه» با عنوان «ریا» که از محرمات مسلم فقہ اسلامی است، زمینه بحث‌های زیادی پیرامون قوانین مربوطه فراهم آمد به گونه‌ای که این قوانین تحولات و افت و خیزهای زیادی پیدا کرده است.

خسارت تأخیر تأدیه زبانی است که در اثر خودداری مدیون از ادای دین مالی خود به طلبکار در زمان مقرر، به این شخص وارد می‌شود. (شهیدی، ۱۳۸۲، ۲:۸۴)

مقصود از روشهای پولی جبران خسارت، طرقي است که در آنها معادل پولی خسارت وارد شده محاسبه و زیان زننده محکوم به پرداخت آن به زیان‌دیده شده یا از دریافت بخشی از مبلغ مورد استحقاق محروم می‌گردد. این طرق شایع‌ترین روشهای جبران خسارت در مسئولیت مدنی قهری و قراردادی است زیرا:

۱- اجرای آن از طرق دیگر جبران خسارت برای دادگاه و طرفین دعوا آسانتر است.

۲- سریع‌تر از طرق دیگر صورت می‌گیرد.

۳- الزام محکوم‌علیه به آن آسانتر است.

۴- تعیین معادل پولی خسارت آسانتر است. (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ۲۴۰-۲۳۸:۴)

شیوه های پولی جبران خسارت قراردادی در حقوق ایران، امارات و..... ۱۱۱

۵- طرفین دعوا مایلند بدانند که به صورت قطعی و روشن، حقوق و تکالیف آنها در مقابل یکدیگر چیست و این امر با تعیین معادل پولی خسارت وارده بهتر صورت می گیرد. (کاتوزیان، همان)

شیوه های پولی جبران خسارت در قالب های زیر در حقوق ایران قابل بررسی است.

بند اول: پرداخت معادل پولی خسارت

در حقوق ایران شایع ترین روش جبران خسارت در مسئولیت قراردادی، پرداخت معادل پولی آن است، اما این روش اجباری نیست و علاوه بر امکان تراضی طرفین برخلاف آن، قاضی را نیز باید در انتخاب روش جبران خسارت مختار دانست زیرا: در قوانین موجود الزامی بر روش پرداخت معادل پولی خسارت دیده نمی شود بلکه با توجه به مواد مختلف مربوط به ضمان قهری در قانون مدنی از جمله مواد (۳۳۱-۳۱۱) و استفاده از ملاک آن برمی آید که هدف جبران کامل خسارت است و در این راستا حتی پرداخت مثل مال تلف شده بر پرداخت قیمت آن ترجیح دارد.

از سوی دیگر طبق ماده ۳ ق.م.م، اختیارات وسیعی به قاضی در انتخاب شیوه جبران خسارت داده شده است و با الغاء خصوصیت از آن با توجه به وحدت بنیادین مسئولیت قهری و قراردادی می توان آن را در مسئولیت قراردادی نیز جاری دانست. البته ضرورت رجوع به دیگر طرق جبران خسارت در قلمرو مسئولیت قراردادی خیلی کمتر محقق می شود و لذا در اغلب قریب به اتفاق موارد، روش جبران خسارت همان روش پرداخت معادل پولی خسارت است و روش های دیگر در آراء دادگاهها به چشم نمی خورد. (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ۲۴۰-۲۳۸:۴)

بند دوم: تقلیل ثمن

در حقوق ایران از تقلیل ثمن در خیار عیب تحت عنوان «اخذ ارش» در ماده ۴۲۲ ق.م. سخن به میان آمده است. صرف نظر از این که آیا واقعاً این امر روش جبران خسارت است یا روش جلوگیری از وقوع خسارت و دارا شدن بدون سبب، این بحث

۱۱۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

پیش می‌آید که تقلیل ثمن به مثابه یک روش عام در همه موارد عدم انطباق همانند کنوانسیون در حقوق ایران هم قابل اعمال است؟

برای پاسخ به این سؤال باید به این تفصیل توجه نمود:

۱- اگر عدم انطباق کالا مربوط به اوصاف اساسی مورد معامله که عرفاً خود موضوع معامله را تغییر می‌دهد، باشد، در صورتی که موضوع معامله عین معین باشد، معامله باطل است (ماده ۳۵۳ ق.م.) و اگر کلی فی‌الذمه باشد، مشتری حق الزام بائع به تسلیم فرد منطبق با قرارداد (ملاک مواد ۲۳۷ و ۴۸۲ ق.م.) و یا درخواست انجام عین تعهد توسط خود یا ثالث به هزینه بائع را دارد (ملاک ماده ۲۳۸ ق.م.) و در صورت عدم امکان تحقق هیچ یک از راه‌حلهای فوق، حق فسخ بیع را خواهد داشت (ملاک مواد ۲۳۹ و ۴۸۲ ق.م.)، بنابراین برخلاف کنوانسیون، مشتری در این فرض حق تقلیل ثمن را ندارد.

۲- اگر عدم انطباق نه عیب بلکه نوعی تخلف از وصف یا شرط باشد، در صورتی که مبیع کلی فی‌الذمه باشد، همانند فوق ابتدا باید در جهت اجرای عین تعهد و تسلیم فرد منطبق تلاش کرد و در نهایت حق فسخ ایجاد می‌شود (ملاک مواد ۲۳۷، ۴۱۴ و ۴۸۲ ق.م.) و اگر عین معین بوده، صرفاً حق فسخ برای مشتری ایجاد می‌شود (مواد ۴۱۰ به بعد و ۴۴۴ ق.م.) نه حق تقلیل ثمن.

۳- اگر عدم انطباق، عیب به شمار آید، در این صورت مشتری مطابق ماده ۴۲۲ ق.م. و به شرط این که مبیع عین معین باشد حق فسخ یا تقلیل ثمن (اخذ ارش) دارد.

۴- اگر عدم انطباق از مصادیق تبعض در صفت باشد نیز مشتری طبق مواد ۳۸۴ و ۴۴۱ ق.م. حق فسخ یا تقلیل ثمن را خواهد داشت.

با توجه به آنچه در فوق آمد، نمی‌توان تقلیل ثمن را در موردی غیر از خیار عیب اعمال کرد و لزوم احترام به آزادی اراده افراد و رعایت اصل آزادی قراردادی در مورد متعاملین و از جمله بائع نیز دلیل دیگری بر صحت این نظر است، زیرا تقلیل ثمن در واقع ایجابی جدید از جانب مشتری است که بائع هیچ التزامی به قبول آن ندارد.

بند سوم: بازفروش کالا

چنانچه طرف دیگر در تصرف کالا یا پس گرفتن آن یا در پرداخت ثمن یا هزینه های حفظ کالا به نحو غیرمتعارفی تأخیر ورزد، طرفی که موظف به حفظ کالا است می تواند آن را به طریق مقتضی به شرط اخطار متعارف مبنی بر قصد فروش، به شخص ثالثی بفروشد. در حقوق ایران حق بازفروش در قوانین پیش بینی نشده و طبق اصول کلی حاکم بر معاملات صرف تخلف مشتری از مفاد قرارداد نمی تواند مادام که بیع فسخ نشده و مبیع در ملک وی است برای بایع حق بازفروش ایجاد کند، زیرا این عمل تصرف فضولی در مال غیر و غیرنافذ است. (ماده ۳۵۲ ق.م.) (صفایی، ۱۳۷۵، ۴۵۹)

اما شاید بتوان با الغاء خصوصیت از مواد ۳۷۱ و ۳۷۲ ق.ت. و استخراج یک قاعده عام از آن دو، حکم به جواز فروش مال متعهد قراردادی توسط متعهدله به عنوان وثیقه مطالبات و ابزار جبران خسارت در صورت عدم امکان الزام وی به جبران خسارت و پرداخت سایر دیون خود داد. از سوی دیگر می توان با صدور قرار تأمین خواسته نسبت به مال متعهد (مبیع در بیع) و توقیف و سپس فروش آن (مواد ۱۲۹-۱۰۸ ق.آ.د.م.)، هدف از بازفروش کالا را تأمین کرد.

استناد به ماده ۳ ق.م.م. هم در صورت قول به وحدت بنیادین مسئولیت مدنی و قراردادی در راستای پذیرش بازفروش کالا به عنوان طریق جبران خسارت مقرر توسط قاضی خالی از قوت نیست.

اگر با رعایت موازین قانونی بایع مبیع را بازفروش کند، از سه حالت خارج نیست: یا اینکه آن را به قیمت قرارداد اول می فروشد که در این صورت متحمل زیانی نشده است، یا به قیمتی کمتر از آن می فروشد که در نتیجه مستحق دریافت خسارت و مابه التفاوت ثمن از خریدار اول می گردد. در این صورت تعیین میزان این خسارت به عهده دادگاه است که با یک ارزیابی عینی از مورد معامله حکم به پرداخت مابه التفاوت خواهد داد. یا اینکه آن را به بیش از قیمت قرارداد اول می فروشد که در این صورت

۱۱۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

باید میزان این افزایش در محاسبه ضرر مورد توجه قرار گیرد و از خسارت درخواستی کسر شود و آلاً نوعی داراشدن غیرعادلانه برای بائع رخ خواهد داد. در مقابل اگر فروشنده ادعای خسارت نداشته باشد، کل سود حاصل از بافروش به وی تعلق خواهد داشت و خریدار سابق حقی بر آن پیدا نخواهد نمود. (صفائی، ۱۳۷۵، ۴۶۰)

گفتار دوم: امارات متحده عربی

در پرتو تحولات اقتصادی اخیر در منطقه خلیج فارس و به طور خاص در امارات متحده عربی، بسیاری از اختلافات از قراردادهای ریشه می‌گیرند. برای درخواست ادعای خسارت طبق قرارداد (در کنار دیگر راهکارهای ارائه شده توسط نظام حقوقی امارات متحده عربی) مدعی یا مدعی علیه باید بیشتر با مفهوم مسئولیت قراردادی و خسارت نقض قرارداد آشنا باشد؛ انواع خسارت به رسمیت شناخته شده و عناصر خسارت قراردادی و به ویژه، شرایط مورد نیاز برای جبران خسارت قراردادی در قانون امارات متحده عربی پیش بینی شده است. در این مبحث به شیوه‌های جبران خسارات ناشی از نقض قرارداد در حقوق امارات متحده عربی اشاره خواهیم نمود.

از روشهای جبران خسارت در حقوق امارات متحده عربی، شیوه پرداخت نقدی بیان شده که در آنها قاضی زیان زننده را معادل پولی خسارت وارد شده، محکوم به پرداخت می‌نماید که باید آن را به زیان‌دیده پرداخت نماید. (الدسوقی، ۱۴۱۶، ۲۳۶)

بند اول: پرداخت معادل پولی خسارت

مهمترین روش جبران خسارت در مسئولیت قراردادی، پرداخت معادل پولی آن است، اما این روش اجباری نیست و علاوه بر امکان تراضی طرفین برخلاف آن، قاضی را نیز باید در انتخاب روش جبران خسارت مختار دانست زیرا: در قوانین موجود الزامی بر روش پرداخت معادل پولی خسارت دیده نمی‌شود بلکه با توجه به مواد مختلف مربوط به خسارت در قانون مدنی از جمله مواد ۲۹۵ الی ۲۹۸ ق.م. امارات متحده عربی و استفاده از ملاک آن برمی‌آید که هدف جبران کامل خسارت است و در

شیوه های پولی جبران خسارت قراردادی در حقوق ایران، امارات و..... ۱۱۵

این راستا حتی پرداخت مثل مال تلف شده بر پرداخت قیمت آن ترجیح دارد.
(الاصاصمه، ۲۰۰۲، ۱۹۳)

بند دوم: پرداخت وجه التزام

واقعیت این است که آنچه در تشخیص اثر حقوقی وجه التزام اهمیت دارد، قصد مشترک طرفین است. دادگاه باید این قصد مشترک را کشف و بر مبنای آن اتخاذ تصمیم کند. چنانچه مقصود طرفین این بوده که هر یک از آنها با پرداخت وجه التزام، از اجرای تعهد معاف شوند، دادگاه باید طرف متخلف را فقط به پرداخت وجه التزام محکوم کند و اگر قصد آنان از تعیین وجه التزام، تحکیم اجرای تعهد باشد، شرط، نوعی تهدید به حساب می آید؛ زیرا مشروطاً بین مطالبه وجه التزام و اجرای اصل تعهد، مخیر می شود و هر کدام را که درخواست کند، دادگاه باید متخلف را نسبت به آن محکوم کند.

در امارات متحده عربی نظر به اینکه خسارت ها بر اساس خسارات واقعی، عدم النفع، خسارت های معنوی و از دست دادن همه فرصت بازیابی در تئوری مورد به مورد محاسبه می شود. دادگاه خسارات را مطابق زمانی که طرفین در قرارداد پیش بینی نمودند و اطمینان از وقوع آنها محاسبه می کند. مثلاً در امارات متحده عربی شخص «ب» می تواند اجرای تعهدات قراردادی را مطابق وجه التزامی که بر عهده «الف» قرار گرفته مطالبه نماید.

بند سوم: تقلیل ثمن

در حقوق امارات از تقلیل ثمن در خیار عیب تحت عنوان «اخذ ارش» در ماده ۵۴۴ ق.م. امارات متحده عربی سخن به میان آمده و به عنوان یک قاعده عمومی در معاملات اعمال می گردد. اگر عدم انطباق کالا مربوط به اوصاف اساسی مورد معامله که عرفاً خود موضوع معامله را تغییر می دهد، باشد، در صورتی که موضوع معامله عین معین باشد، معامله قابل رد است (ماده ۵۱۵ ق.م.) و اگر کلی فی الذمه باشد، مشتری حق التزام بایع به تسلیم فرد منطبق با قرارداد (ملاک مواد ۵۱۵، ۵۱۶ و ۵۲۵ ق.م. امارات متحده

۱۱۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

عربی) و در صورت عدم امکان تحقق هیچ یک از راه‌حلهای فوق، حق فسخ بیع را خواهد داشت.

اگر عدم انطباق نه عیب بلکه نوعی تخلف از وصف یا شرط باشد، در صورتی که مبیع کلی فی‌الذمه باشد، همانند فوق ابتدا باید در جهت اجرای عین تعهد و تسلیم فرد منطبق تلاش کرد و در نهایت حق فسخ ایجاد می‌شود (ملاک مواد ۵۲۶ تا ۵۲۸ ق.م. امارات متحده) و اگر عین معین بوده، صرفاً حق فسخ برای مشتری ایجاد می‌شود نه حق تقلیل ثمن. (آل مولا، ۲۰۱۰)

اگر عدم انطباق، عیب به شمار آید، در این صورت مشتری مطابق ماده ۵۴۴ ق.م. امارات متحده و به شرط این که مبیع عین معین باشد حق فسخ یا تقلیل ثمن (اخذ ارش) دارد.

اگر عدم انطباق از مصادیق تبعض در صنفه باشد نیز مشتری طبق مواد ۵۵۰ ق.م. حق فسخ یا تقلیل ثمن را خواهد داشت.

با توجه به آنچه در فوق آمد، در حقوق امارات متحده عربی نیز نمی‌توان تقلیل ثمن را در موردی غیر از خیار عیب و تبعض صنفه اعمال کرد و لزوم احترام به آزادی اراده افراد و رعایت اصل آزادی قراردادی در مورد متعاملین و از جمله بایع نیز دلیل دیگری بر صحت این نظر است، زیرا تقلیل ثمن در واقع ایجابی جدید از جانب مشتری است که بایع هیچ التزامی به قبول آن ندارد.

بند چهارم: بازفروش کالا

در حقوق امارات متحده عربی حق بازفروشی در قوانین پیش‌بینی نشده ولی با توجه به مواد قانون مدنی مربوط به حق فسخ معامله، به دلایل مختلف می‌توان نتیجه گرفت که چنین حقی برای بایع در مواردی پیش‌بینی شده است. همچنین طبق اصول کلی حاکم بر معاملات صرف تخلف مشتری از مفاد قرارداد نمی‌تواند مادام که بیع فسخ نشده و مبیع در ملک وی است برای بایع حق بازفروش

شیوه های پولی جبران خسارت قراردادی در حقوق ایران، امارات و..... ۱۱۷

ایجاد کند، زیرا این عمل تصرف فضولی در مال غیر (ماده ۳۳۲-۳۲۵ ق.م. امارات متحده) و غیرنافذ است.

بر اساس ماده ۵۱۱ ق.م. امارات متحده که بیان می‌دارد: «تنتقل ملكیة المبیع إلی مشتری بمجرد تمام البیع...» به مجرد اینکه عقد بیعی به طور صحیح واقع می‌شود مشتری مالک مبیع و بایع مالک ثمن می‌گردد. مالکیت طرفین بر مبیع و ثمن به شرطی است که عقد بیع به طور صحیح و با رعایت کلیه شرایط منعقد شود اما اگر به دلایلی بر صحت عقد خدشه وارد شود دیگر نمی‌توان مشتری را مالک مبیع دانست. (ماده ۵۳۶ ق.م. امارات متحده) به علاوه هرگاه بایع با اعمال یکی از خیارهای بیع را فسخ کند، مالکیت مبیع به او بر می‌گردد. چه در مورد تأخیر در پرداخت ثمن (ماده ۵۶۵ امارات متحده) و چه در سایر مواردی که به علتی برای بایع حق فسخ به وجود می‌آید وی حق خواهد داشت که معامله را فسخ کند و در نتیجه مجدداً مالک مبیع گشته و حق بازفروش آن را نیز پیدا خواهد نمود. (الجمال، همان، ۴۰۶)

گفتار سوم: کنوانسیون

در حقوق قراردادهای، به خصوص در عرصه حقوق تجارت بین الملل یکی از مهمترین مسائل، اجرای به موقع تعهدات قراردادی است، از این روست که قواعد زیادی در زمینه نقض قرارداد وضع شده است تا جبران خسارت را برای تاجری که از نقض تعهد خسارت دیده را فراهم آورد. در کنوانسیون هم روش‌هایی برای جبران خسارت پیش بینی شده که تحت عنوان روش‌های پولی و غیرپولی جبران خسارت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰) روش دریافت معادل پولی خسارت و دریافت بهره نسبت به سایر روشها همچون درخواست تقلیل ثمن و بازفروش مبیع در اولویت است و معمولاً این روش به عنوان جبران خسارت انتخاب می‌شود البته قاضی

۱۱۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

رأساً و یا با تراضی طرفین در انتخاب روش جبران خسارت آزاد است، لیکن اصل انتخاب مناسبترین روش، همیشه حاکم است.

شیوه های پولی جبران خسارت در کنوانسیون بشرح زیر قابل بیان است:

بند اول: دریافت معادل پولی خسارت

در کنوانسیون اولویت این روش را می‌توان از ماده ۷۴ آن استنباط کرد، زیرا در تعریف خسارت ناشی از نقض قرارداد، عبارت «... مبلغی برابر زیان تحمل شده توسط طرف دیگر...» آمده و کلمه «مبلغ» نص در معادل پولی است. روح کنوانسیون و اصول کلی مورد ابتدای آن مبنی بر تسریع در تجارت بین‌الملل نیز به این روش اولویت می‌دهد. (ماده ۷)

حتی برخی از مفسران بر این عقیده اند که ماده ۷۴ تردیدی باقی نمی‌گذارد که تنها طریق جبران خسارت، پرداخت معادل پولی آن است. (هجده تن از دانشمندان جهان، همان، ۸۳) اما این نظر با توجه به تفسیری بودن مقررات کنوانسیون (ماده ۶) و اصول مورد ابتدای آن (ماده ۷) و اصل جبران کامل خسارت دقیق نیست و نباید روش جبران خسارت را منحصر به این یکی کرد؛ بلکه طرفین و یا قاضی باید بتواند در صورت اقتضا، مناسب‌ترین روش را بر حسب اوضاع و احوال قضیه برگزینند، گرچه غالباً طریق انطباق همان روش پرداخت معادل پولی است اما بعید نیست که در مواردی طرق دیگر کارسازتر باشد. (قاسمی، ۱۳۸۴، ۲۰۱)

بند دوم: دریافت بهره

دارا شدن ناعادلانه متخلف قرارداد موجب شده است که شارحان کنوانسیون مقرراتی را تدوین نمایند تحت عنوان بهره تا هرگاه ثمن بعد از موعد مقرر پرداخت شود یا نسبت به مبالغی که باید به علت تخلف یک طرف و فسخ قرارداد به طرف دیگر مسترد گردد یک ضمانت اجرا وجود داشته باشد تا تأخیر در پرداخت ثمن یا... موجب دارا شدن ناعادلانه نگردد و در صورت وقوع با استفاده از این حربه بتوان عدالت را برقرار ساخت و خسارت را جبران کرد؛ در ماده ۷۸ کنوانسیون اینگونه آمده

شیوه های پولی جبران خسارت قراردادی در حقوق ایران، امارات و..... ۱۱۹

است که: «هرگاه یکی از طرفین موفق به پرداخت ثمن یا یکی از وجوه معوقه نگردد طرف دیگر استحقاق دریافت بهره آن را دارد بدون اینکه به حق وی در ادعای خسارت موضوع ماده ۷۴ خللی وارد آید.»

همان طور که ذکر شد و در مواد کنوانسیون ذکر شده امکان مطالبه بهره در صورت وجود شرایط برای متضرر پیش بینی شده است که می تواند به صورت پولی باشد. نکته دیگری که در اینجا به چشم می خورد قسمت اخیر ماده ۷۸ کنوانسیون است که در صورت دریافت بهره که خود نوعی شیوه جبران خسارت است، استحقاق متضرر را از ادعای خسارت موضوع ماده ۷۴ نفی نکرده است. به عبارتی متضرر را مستحق استفاده از دو شیوه جبران خسارت دانسته است. یعنی هم می تواند از بهره تأخیر پرداخت ثمن یا وجوه معوقه بهره ببرد و هم می تواند از دیگر طرق جبران خسارت استفاده کند و ادعای خود را مطرح سازد.

یکی از حقوقدانان معتقد است «وجود تورم و جلوگیری از داراشدن ناعادلانه طرف متخلف از قرارداد سبب شده است تا تدوین کنندگان کنوانسیون مقرراتی را برای پرداخت بهره بر روی مبالغ پرداختی، در صورتی که بعد از موعد مقرر پرداخت شود و یا مبالغی که باید به علت تخلف یک طرف و فسخ قرارداد به طرف دیگر مسترد گردد پیش بینی نماید، چرا که اگر چنین نباشد تأخیر در پرداخت مبالغ قراردادی و یا تأخیر در استرداد وجهی که قبلاً دریافت شده است سبب خواهد شد که از یک طرف بر زیان طرف متضرر افزوده شود و از طرف دیگر موردی اضافه به جیب طرف متخلف واریز گردد.» (صفایی و همکاران، ۱۳۸۴، ۲۶۳)

الف) دریافت بهره قبل از فسخ قرارداد

طبق ماده ۷۸ کنوانسیون: «هرگاه یکی از طرفین، ثمن یا وجوه دیگری را که پرداخت آنها به تأخیر افتاده است تأدیه ننماید، طرف دیگر مستحق دریافت بهره خواهد بود بدون اینکه به حق او در ادعای خسارت موضوع ماده ۷۴ خللی وارد آید.» بر اساس پرونده های موجود علاوه بر دریافت بهره ثمن یا وجوه دیگر، بهره خسارات

۱۲۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

نیز قابل دریافت است. برای مثال: در پرونده‌ای^۲ یک فروشنده آلمانی و یک خریدار سوئیسی جهت خرید و فروش محصولات پلاستیکی (pvc) قراردادی منعقد نمودند. به دلیل عدم تحویل کالاها از سوی فروشنده، خریدار نیز قرارداد را باطل اعلام نمود و از پرداخت ثمن امتناع کرد. فروشنده جهت دریافت ثمن اقامه دعوا نمود و خریدار نیز خواستار پرداخت خسارات شد. دادگاه به نفع خریدار رأی داد و مقرر نمود که وی مستحق دریافت خسارات می‌باشد. جهت محاسبه خسارات نیز طبق ماده ۷۶ کنوانسیون تفاوت بین قیمت تعیین شده کالا در قرارداد و قیمت رایج آن در زمان بطلان به وی پرداخت می‌گردد. به علاوه طبق ماده ۷۸ کنوانسیون بهره این خسارات نیز باید درست از زمانی که خسارات به او وارد شده و بر اساس قانون ملی اش به او تأدیه گردد.

این نکته لازم به ذکر است که مستحق دریافت بهره شدن به ارسال هیچ خطاری از طرف زیان‌دیده بستگی ندارد. همچنین لازم نیست که زیان‌دیده ورود زیان به خود را ثابت کند. بنابراین دریافت بهره حقی است که مستقلاً قابل درخواست می‌باشد. (جلالی مهر، ۱۳۹۴، ۹۰)

کنوانسیون چگونگی تعیین نرخ بهره را معین نکرده و در این مورد اختلاف نظر وجود دارد. اما همه مخالفان بر این عقیده‌اند که نرخ بهره باید طوری تعیین شود که طرف متضرر را در موقعیتی قرار دهد که در صورت اجرای به موقع تعهد در آن موقعیت قرار می‌گرفت.

برخی از دادگاه‌ها و دیوان‌های داوری جهت حل این معضل به ماده ۹ کنوانسیون استناد می‌کنند و تعیین آن را به عرف تجاری مربوطه واگذار می‌کنند و برخی دیگر نیز یک نرخ تجاری متعارف را در میزان آن لازم‌الاجرا می‌دانند. برای مثال: در پرونده‌ای^۳ دیوان داوری، خریدار را مجاز به فسخ قرارداد و فروشنده را ملزم به بازگرداندن بخشی

^۲ - Switzerland , kantonsgericht (۲۱ October ۱۹۹۹) ; available at <http://www.unilex.info>

^۳ - France , Icc court of Arbitration , (۶ April ۱۹۹۵) ; available at <http://www.unilex.info>

شیوه های پولی جبران خسارت قراردادی در حقوق ایران، امارات و..... ۱۲۱

از ثمن و بهره آن دانست. در این پرونده دیوان با استناد به ماده ۸۴ کنوانسیون مستحق دریافت بهره شدن را نیازمند ارسال هیچ اخطاری ندانست و مقرر داشت از آنجایی که کنوانسیون در ماده ۷۸ خود چگونگی میزان بهره را تعیین نکرده، به عنوان یک نرخ تجاری معقول، عادلانه‌ترین راه رجوع به قانون ملی خریدار جهت تعیین بهره می‌باشد. (همان، ۸۸)

ب) دریافت بهره پس از فسخ قرارداد

براساس بند دوم ماده ۸۱ کنوانسیون در هر قرارداد بیع، طرفی که تعهدات خود را انجام داده (مثل این که کالای موضوع قرارداد را تسلیم و یا ثمن را پرداخت کرده باشد) در صورتی که قرارداد به دلیلی فسخ شود، حق خواهد داشت برای استرداد آنچه پرداخت نموده است اقدام نماید و به موجب بند دوم ماده ۸۴ نیز «... خریدار در صورتی باید حساب منافع حاصله از تمام یا بخشی از کالا را به فروشنده پس دهد که: الف) مکلف به اعاده تمام یا بخشی از کالا باشد.

ب) اعاده تمام یا قسمتی از کالا، یا اعاده تمام یا بخشی از کالا عمدتاً یا همان وضعیتی که آنها را دریافت کرده برای وی مقدور نباشد ولی علیرغم این عدم امکان، قرارداد را فسخ کرده، یا از فروشنده مطالبه‌ی کالای جانشین را نموده باشد.»

پس مشتری موظف است در صورتی که تمام یا بخشی از کالا را قبل از فسخ قرارداد تحویل گرفته، پس از فسخ قرارداد و علاوه بر رد اصل کالای دریافتی منافی را که در این مدت از مبیع برده است را به فروشنده بدهد. به عبارت دیگر، منافع مزبور از آن فروشنده خواهد بود و باید به او مسترد گردد. بند دوم ماده ۸۴ نسبت به بند اول آن کمتر مورد استناد دادگاه‌ها قرار گرفته است و در بررسی‌های انجام شده در رویه‌های قضایی این نکته استخراج شده است که با اثبات انتفاع مشتری از دریافت کالا به عهده فروشنده می‌باشد برای مثال در پرونده‌ای یک فروشنده اتریشی و یک خریدار آلمانی جهت خرید و فروش یک دست مبلمان قیمتی قراردادی منعقد کردند، به دلیل شکایت مشتری از نقص کالا فروشنده موافقت به تعمیر نمود. اما پس از تعمیر نیز نقص کالا

۱۲۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

برطرف نشده و خریدار قرارداد را باطل اعلام نمود. دادگاه خریدار را مستحق بطلان دانست و مقرر نمود از آنجایی که فروشنده نتوانست مدارک کافی در مورد انتفاع خریدار از کالای مطروحه ارائه دهد، خریدار را نمی‌توان به موجب بند ۲ ماده ۸۴ ملزم به پرداخت بهره یا منافع نمود. (فولادی، ۱۳۹۲، ۵۱)

بند سوم: درخواست تقلیل ثمن

قاعده تقلیل ثمن یکی از مفاهیم مطرح در کنوانسیون بیع بین‌المللی است که به منظور جبران خسارت خریدار در صورت موجود بودن شرایط خاص آن مطرح می‌گردد.

الف) درخواست تقلیل ثمن

منشأ این قاعده در حقوق رم است. براساس قاعده حاکم بر معادلات این نظام حقوقی فروشنده مسئول هرگونه خسارت وارده به مشتری که در اثر تسلیم کالای ناقص به او را وارد آورده بود. با گذشت زمان، این قاعده دست خوش تغییر شد، چرا که اگرچه جبران خسارت مشتری بر این حالت لازم به نظر می‌رسید لکن پرداخت کل مبلغ به عنوان خسارت نیز مطلوب نبود. این تفکر مبنای قاعده تقلیل ثمن قرار گرفت. (صفایی و همکاران، ۱۳۸۴، ۲۷۱)

با تصویب کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در وین تقلیل ثمن در بند یک ماده ۴۵ پیش بینی شد. در بیان مبانی پیش بینی اختیار تقلیل، شارحان کنوانسیون گفته اند تقلیل ثمن اولاً برای حفظ قرارداد از خطر انحلال و بطلان، ثانیاً برای حفظ تناسب قرارداد (Tunon, ۱۹۸۷, ۱۰) و ثالثاً برای حمایت از خریداری وضع شده که تمام بیع به او

تسلیم نشده و ترسیم وضعیت برای او مد نظر است. (Schlechtriem, Ibid, ۱۵۲)

در ماده ۵۰ کنوانسیون بیع بین‌المللی (۱۹۸۰) مقرر شده که هرگاه فروشنده کالایی به خریدار تسلیم کند که با قرارداد منطبق نباشد خریدار بتواند حسب نسبتی که قیمت کالای منطبق در زمان تسلیم می‌داشت و قیمت کالای منطقی که عملاً تسلیم شده از

شیوه های پولی جبران خسارت قراردادی در حقوق ایران، امارات و..... ۱۲۳

ثمن قراردادی کم کند. این اقدام خریدار یک جانبه صورت می گیرد و منوط به مراجعه به دادگاه و اثبات عدم مطابقت نیست.

به طور خلاصه ویژگی های ماده ۵۰ و اختیار تقلیل ثمن را این چنین می توان بیان کرد: فقط خریدار می تواند آن را اعمال کند. میزان تقلیل، نسبتی است از ثمن قراردادی، اعم از آن که ثمن پرداخت شده یا نشده باشد. این اختیار زمانی محقق می شود که کالای تسلیمی با قرارداد مطابق نباشد. فروشنده می تواند با دفع موارد عدم مطابقت یا تعویض کالای نامنطبق، مانع از اعمال این اختیار شود. هنگام اعمال این اختیار، فروشنده نمی تواند به برخی دفاع هایی متوسل شود که می تواند در دعوای مطالبه خسارت مطرح کند.

ب) شرایط تحقق اختیار تقلیل ثمن

ب - ۱) تسلیم کالای مورد قرارداد

در این مورد تا قبل از تسلیم، مطابق شرایط مندرج در ماده ۳۱ کنوانسیون امکان استفاده از تقلیل ثمن وجود ندارد هرچند مشتری به طریقی متوجه مطابقت کالای آماده برای ارسال شود.

ب - ۲) عدم مطابقت کالای تسلیمی

از آنجا که قاعده مزبور هم عدم تطبیق کیفی و هم عدم تطبیق کمی را دربر می گیرد لذا مورد معامله مستنداً به مواد ۳۵ و ۳۶ کنوانسیون نباید منطبق با قرارداد باشد. موارد عدم مطابقت را می توان به دو صورت «عدم مطابقت مادی» و «عدم مطابقت حقوقی» دسته بندی کرد:

۱- عدم مطابقت مادی

وقتی گفته می شود کالای تسلیمی به لحاظ مادی با قرارداد مطابقت ندارد، یعنی در کمیت و اوصاف عینی، مانند مقدار، نوع، رنگ و اندازه با قرارداد یا بنای طرفین مطابق نیست. در تعریف عدم مطابقت مادی، استمداد از مفهوم «عدم مطابقت حقوقی» با توجه به آنچه در مواد ۴۱ و ۴۲ کنوانسیون آمده راهگشا است و بدین ترتیب می توان

۱۲۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

گفت: «هر عدم مطابقتی که در حوزه مفهومی حق یا ادعای شخص ثالث ناشی از مالکیت صنعتی یا سایر انواع مالکیت معنوی نباشد»، عدم مطابقت مادی است.

مفاد ماده ۳۵ کنوانسیون نشان می‌دهد که در خصوص احراز عدم مطابقت، قصد طرفین و مفاد توافق آنها ملاک عمل است و اگر توافقی نباشد، برای رفع اختلافات، تعدادی ضابطه عملی پیش بینی شده و در واقع مفاد بند ۲ ماده ۳۵ از قواعد تکمیلی به شمار می‌رود. (Schlechtriem, Ibid, ۱۱۵)

در فقه شیعه با توجه به انواع بیع و عنایت به این که «وصف سلامت مبیع از عیوب»، شرط بنایی طرفین است (محقق حلی، همان، ۱۷۱) می‌توان گفت: هرگاه کالای تسلیمی با کالای مذکور در قرارداد منطبق، و وصف سلامت نیز در آن رعایت شده باشد «تسلیم کالای منطبق» محقق شده است. (بیگ زاده و باریکلو، ۱۳۹۰، ۶۰)

۲- عدم مطابقت حقوقی

اگر حسب مواد ۴۱ و ۴۲ کنوانسیون، کالای تسلیمی «مشمول هرگونه حق یا ادعای شخص ثالث، ناشی از مالکیت صنعتی یا سایر انواع مالکیت معنوی» باشد، عدم مطابقت حقوقی و به تعبیری «ایراد در مالکیت» محقق گردیده است. در بین شارحان کنوانسیون، گفت و گو بر سر این است که آیا در تحقق اختیار تقلیل ثمن صرفاً عدم مطابقت مادی مورد نظر است یا عدم مطابقت حقوقی نیز چنین اختیاری را به دنبال دارد؟ (همان، ۶۱)

تاریخچه تهیه و تدوین کنوانسیون نشان می‌دهد از همان آغاز، برخی مایل بوده اند «عیوب موجود در حق مالکیت» نیز از موارد عدم مطابقت کالا محسوب می‌شود. (Tunon, Ibid, ۲۵) و گفته اند: «کنوانسیون خط فاصلی بین عدم مطابقت ناشی از

اوصاف معمولی کالا و عیب در مالکیت ترسیم نکرده است» (Schlechtriem, Ibid) همچنین گفته شده چه تفاوت می‌کند کالای موضوع قرارداد به لحاظ ظاهر معیوب باشد یا سایر جنبه‌ها دچار عیب باشد؛ زیرا در هر حال، آنچه نمود بیرونی یافته «عدم مطابقت» است. (Sondahl, p.۱۶) با آنکه همان زمان، نمایندگان برخی کشورهای

شیوه های پولی جبران خسارت قراردادی در حقوق ایران، امارات و..... ۱۲۵

حاضر در نشست‌های کنوانسیون پیشنهاد کردند که متن ماده ۵۰ اصلاح شود (Sondahl, p.۱۵) نهایتاً حسب نظر غالب نمایندگان حاضر چنین نشد (Sondahl, p.۱۰) و گفته شد بهتر است تصمیم گیری در این باره به دادگاه‌ها واگذار گردد؛ هرچند تاکنون دادگاه‌ها مجالی برای اظهارنظر در این باره نیافته‌اند.

در فقه مباحث مربوط به «عدم مطابقت حقوقی» را باید از سویی در مباحث مربوط به «طلق بودن مبیع» یافت و از سوی دیگر در مباحث «معامله فضولی» و «مستحق‌الغیر در آمدن مبیع» (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۵۶)

ب - ۳) قبول کالای نامنطبق توسط خریدار

اساسی‌ترین شرط اعمال ماده ۵۰ کنوانسیون پس از تحقق عدم مطابقت، آن است که خریدار بخواهد کالای تسلیمی را بپذیرد و نزد خود نگاه دارد. ماده ۵۰ تصریحی به این نکته ندارد و صرفاً می‌توان از کلمه «می‌تواند» استنباط کرد که اقدام خریدار در این مورد به خواست او وابسته است.

ب - ۴) انجام تکلیف مندرج در مواد ۳۹ و ۴۰ توسط مشتری

برای استفاده از روش تقلیل ثمن لازم است که مشتری تکلیف مندرج در مواد ۳۹ و ۴۰ کنوانسیون را رعایت کند. این مواد مقرر می‌دارند که مشتری باید ظرف مدت ۲ سال از زمان آگاهی از عدم مطابقت کالای تحویل داده شده با کالای مندرج در قرارداد برای فروشنده اخطاریه‌ای حاکی از عدم مطابقت همراه با تعیین نوع عدم مطابقت ارسال کند مگر اینکه عذر موجهی داشته باشد که در ماده ۴۴ بیان شده است. (آقایی زاده، ۱۳۸۹، ۸)

ب - ۵) ناآگاهی خریدار به عدم مطابقت کالا

هرگاه خریدار به شرح بند ۳ ماده ۳۵ کنوانسیون: «در زمان انعقاد قرارداد از عدم انطباق کالا با قرارداد آگاه بود یا نمی‌توانسته، در این باره ناآگاه باشد» نمی‌تواند از اختیار مندرج در ماده ۵۰ استفاده کند، زیرا ثمن مندرج در قرارداد بابت همان کالایی مقرر شده که خریدار از اوصاف آن آگاه بوده است.» (بیگ زادهو باریکلو، همان، ۶۵)

۱۲۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

در حقوق ایران به تبعیت از فقه امامیه، هرگاه خریدار در زمان قرارداد از عیب مبیع آگاه بوده برای او خیار عیب به وجود نمی‌آید. (مواد ۴۲۳ و ۴۲۴ ق.م.) (تستری، ۱۴۱۹، ۱۸۳)

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که برای استفاده از حق تقلیل ثمن نیازی به مراجعه به دادگاه نیست بلکه این امر با اراده مشتری صورت می‌پذیرد. هرچند در صورت بروز اختلاف ممکن است دادگاه حکمی در این خصوص صادر کند که جنبه اعلامی خواهد داشت. (صفایی و همکاران، ۱۳۸۴، ۲۷۴)

پ) استثنائات اعمال ماده ۵۰ کنوانسیون

در قسمت اخیر ماده ۵۰ کنوانسیون بیان شده: «... معهدا هرگاه بایع مطابق مواد ۳۷ و ۴۸ هر نوع قصور در ایفای تعهدات خود را جبران کند یا در صورتی که مشتری مطابق مواد مذکور از قبول انجام تعهد بایع خودداری ورزد خریدار نمی‌تواند ثمن را کاهش دهد.»

ماده ۳۷ کنوانسیون که به فروشنده این حق را داده است که با شرایطی از کالای ناقص رفع نقض نماید بیان می‌دارد: «هرگاه بایع کالا را پیش از موعد مقرر تسلیم نموده باشد تا فرا رسیدن موعد مزبور می‌تواند قسمت‌های کسری را تحویل دهد یا هر گونه نقصانی در مقدار را جبران کند یا کالای دیگری را در عوض کالای غیرمنطبق تسلیم نماید، یا هر نوع عدم انطباقی را در کالای تسلیم شده مرتفع سازد مشروط بر اینکه اعمال این حق موجب زحمت غیرمعقول مشتری یا تحمیل هزینه‌های غیرمعقول بر او نباشد. معهدا هر نوع حق مطالبه خسارت به نحوی که در این کنوانسیون مقرر شده است برای مشتری محفوظ می‌باشد.»

پ - ۱) جبران نقص پس از موعد تسلیم توسط فروشنده به شرط عدم تأخیر غیرمعقول

با رعایت ماده ۴۹، فروشنده می‌تواند حتی پس از موعد تسلیم هر نوع قصور در ایفای تعهد را به هزینه خود جبران نماید به شرط آنکه بتواند این کار را بدون تأخیر

شیوه های پولی جبران خسارت قراردادی در حقوق ایران، امارات و..... ۱۲۷

غیرمعقول و بدون اینکه موجب زحمت غیرمعقول مشتری شود انجام دهد و باعث عدم اعتماد مشتری نسبت به بازپرداخت هزینه هایی که مشتری به صورت پیش پرداخت انجام داده است نشود. ولی هر نوع حق مطالبه خسارت برای مشتری به ترتیبی که در این کنوانسیون مقرر شده محفوظ خواهد بود.

پ - ۲) عدم اعلام نظر خود توسط مشتری با وجود درخواست فروشنده

هرگاه فروشنده از مشتری درخواست نماید تا نظر خود را در این خصوص که آیا ایفای تعهد توسط فروشنده را خواهد پذیرفت یا خیر اعلام نماید و مشتری ظرف مدت معقولی این درخواست را اجابت ننماید و بایع بعد از مدت منعکس در درخواست خود، تعهدش را ایفاء کند مشتری ظرف مدت مزبور نمی تواند به هیچ یک از طرق جبران خسارت که مغایر با ایفای عهد بایع باشد متوسل گردد.

پ - ۳) اعلام بایع دایر بر ایفای تعهد ظرف مدت معین

این اعلام بایع مبنی بر اینکه ظرف مدت معینی تعهد خود را ایفاء خواهد نمود به منزله استعمال از تصمیم مشتری مطابق بند پیشین است.

پ - ۴) شرط وصول اخطار به فروشنده به مشتری

تقاضا یا اخطار به ای که به موجب بندهای ب و ج که در قسمت فوق مطرح شده بلا اثر است مگر اینکه به مشتری واصل شده باشد براین اساس اگر فروشنده قبل از موعد مقرر کالا را تسلیم کند می تواند براساس ماده ۳۷ کنوانسیون در صورتی که کالای تسلیم شده منطبق با قرارداد نباشد کالا را تا زمان مقرر در توافق برای تسلیم، از آن رفع نقص نماید مگر اینکه این مسأله موجب تحمیل هزینه ای بر مشتری گردد اما بایستی دانست این اخطار به فروشنده، منافاتی با حق خریدار در توسل به یکی از روش های جبران خسارت ندارد.

۱۲۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

پ - ۵) رفع نقص کالای غیرمنطبق با قرارداد توسط فروشنده

در صورتی که فروشنده پس از تسلیم براساس ماده ۴۹ نسبت به رفع نقص کالای غیرمنطبق با قرارداد اقدام نماید و شرایط زیر را رعایت نماید حق تقلیل ثمن برای خریدار وجود ندارد این ضوابط که در ماده ۴۹ کنوانسیون برشمرده شده عبارتند از:

۱- هزینه های رفع نقص را تماماً متقبل گردد.

۲- رفع نقص کالا در این بازه زمانی موجب زحمت غیرمعقول برای مشتری نشود.

۳- این رفتار فروشنده باعث بی اعتمادی خریدار در بازپرداخت هزینه های وی نگردد.

۴- علاوه بر اینها در صورتی که فروشنده مطابق بندهای ۴ و ۳ و ۲ ماده ۴۹ کنوانسیون اقدام نماید مشتری در آن بازه زمانی نمی تواند از حق مطالبه خسارت استفاده نماید.

ت- چگونگی محاسبه تقلیل ثمن در کنوانسیون

در محاسبه تقلیل ثمن برخلاف چگونگی محاسبه ارزش، تغییرات قیمت بازار از زمان انعقاد قرارداد تا تسلیم در نظر واقع می شود. چرا که زمان مبنا برای عدم تطبیق زمان تسلیم کالا است و ممکن است در بازه زمانی انعقاد تا تسلیم با توجه به طولانی بودن این زمان در قراردادهای بین المللی، تفاوت فاحش قیمت رخ داده باشد و این امر موجب اضرار طرفین یا یکی از آنها در محاسبه تقلیل ثمن گردد. لذا برای محاسبه هم قیمت قراردادی کالا و هم قیمت کالا در زمان تسلیم مد نظر قرار می گیرد.

همان گونه که ملاحظه می گردد، از آنجا که حسب کنوانسیون عدم تطابق کالا زمان تسلیم ملاک عمل واقع می گردد. امکان محاسبه تغییرات قیمت از زمان انعقاد قرارداد تا زمان تسلیم وجود دارد. (اسکینی و جعفریان، ۱۳۸۹، ۶۷) در خصوص این نکته که در تقلیل ثمن، خریدار باید بر مبنای کدام قیمت در صدد کاهش باشد، ماده ۵۰ به ارزش کالا اشاره می کند. طبق این ماده: «... خریدار می تواند به نسبت تفاوت ارزش کالای تسلیمی در تسلیم و ارزشی که کالای منطبق با قرارداد در روز تسلیم دارا می بوده است،

شیوه های پولی جبران خسارت قراردادی در حقوق ایران، امارات و..... ۱۲۹

ثمن را تقلیل دهد...» در این ماده فرض نویسندگان کنوانسیون بر این است که کالای نامنطبق در زمان تسلیم، همچنان در بازار موجود است و فرد موجود آن نیز دارای ارزش است. از این رو به حالتی که کالا به علتی دیگر در بازار وجود ندارد یا اگر دارد فاقد قیمت است پرداخته اند. گفته شده با تعیین قیمت روز تسلیم به عنوان مبنای محاسبه، اگر بین تاریخ قرارداد تا تاریخ تسلیم افزایش قیمتی رخ دهد اما در زمان تسلیم این افزایش منتفی شود با فرمول مد نظر منظور در ماده ۵۰ خریدار از سودی که موجهاً مستحق آن شده محروم می ماند. (Schlechtriem, Ibid, ۱۵۳)

بند چهارم- بافروش مبيع

یکی از ضمانت اجراهای غیرقضایی که در برخی نظام های حقوقی در جهت حفظ حقوق فروشنده، در مقابل نقض تعهدات از سوی خریدار پیش بینی گردیده حق فروش مجدد کالا توسط فروشنده است. شرایط ایجاد این حق و نیز چگونگی اعمال آن توسط فروشنده در نظام های مختلف حقوقی متفاوت می باشد اما جوهره اصلی آن به استیفای حقوق فروشنده بدون لزوم مراجعه دوم دادگاه و اقامه دعوا است.

مسأله مهم تعیین تکلیف سود حاصل از بافروش است. کنوانسیون بیع بین المللی کالا این سود را متعلق به خریدار می داند. (اصغری آقمشهدی و زارعی، ۱۳۸۹، ۱۸۳)

الف- بافروش اختیاری مبيع

طبق ماده ۸۸ کنوانسیون طرفی که بر اساس مواد ۸۵ یا ۸۶ کنوانسیون ملزم به حفظ و نگهداری کالا است در برخی موارد مختار و گاهی ملزم به باز فروش کالا است تا از بروز خسارت بیشتر و یا تحمل تکالیف بیشتر خودداری نماید. ماده ۸۸ کنوانسیون مقرر می دارد:

«۱- چنانچه طرف دیگر در تصرف کالا یا پس گرفتن آن یا در پرداخت ثمن یا هزینه های حفظ کالا به نحو غیرمتعارف تأخیر ورزد، طرفی که طبق مواد ۸۵ یا ۸۶ ملزم به حفظ کالا است می تواند آنرا به طرق مقتضی بفروشد، مشروط بر اینکه اخطار متعارفی مبنی بر قصد فروش، جهت طرف دیگر ارسال کرده باشد. ۲- هرگاه کالا در معرض

۱۳۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

فساد سریع باشد یا نگاهداری آن مستلزم هزینه غیرمتعارف باشد، طرفی که مطابق مواد ۸۵ یا ۸۶ ملزم به حفظ آن است، مکلف است جهت فروش آن اقدامات متعارفی معمول دارد. مشاره‌ایه حتی‌الامکان مکلف است اختطاری مبنی بر قصد فروش جهت طرف دیگر ارسال نماید. ۳- طرفی که اقدام به فروش کالا می‌نماید حق دارد از محل فروش، مبلغی معادل مخارج فروش و هزینه‌های متعارف نگاهداری کالا برای خود منظور نماید. مشاره‌ایه مکلف است حساب باقیمانده را به طرف دیگر بدهد.»

بدین دلیل که بند اول ماده ۸۸ از واژه «می‌تواند» استفاده کرده منطقی‌اً تنها متضمن اختیار بازفروش بیع از سوی نگهدارنده است و همان‌طور که گفته‌اند «از این جهت ضابطه تشخیص تأخیر در آن بند انعطاف پذیر است. تأخیر غیرمتعارف از سوی طرف دیگر برای انجام عمل مورد نظر است.» (Honnold, Ibid, ۵۸۳)

در ماده ۸۸ کنوانسیون اختیار بازفروش مبیع برای مشتری نیز پیش‌بینی شده که چون به مبحث ضمانت اجرای تعهدات خریدار ارتباطی ندارد، ما در ادامه فقط حق بازفروش مبیع برای فروشنده را بررسی می‌کنیم.

بایع مطابق ماده ۸۵ و مشتری مطابق ماده ۸۶ در موارد زیر می‌توانند مبیع را بازفروش کنند در ادامه موارد بازفروش اختطاری و شرایط آن را تبیین می‌کنیم:

الف - ۱) موارد بازفروش اختطاری مبیع

۱- تأخیر غیرمتعارف در قبض کالا: مشتری مکلف است مبیع را قبض کند (مواد ۵۳ و ۶۰ کنوانسیون) با این حال در صورت استتکاف، بایع می‌تواند آن را به موجب حق حبسی که دارد نگهداری کند. با وجود این، در مواردی که مشتری در وصول کالا به نحو غیرمتعارف تأخیر می‌کند بایع می‌تواند به موقعیت پایدار بیع خاتمه دهد. در رأی نیز به این اختیار بایع، هنگامی که خریدار از قبض کامیون‌ها که خریداری شده است خودداری می‌کند تصریح شده است.

۲- تأخیر غیرمتعارف در پس‌گرفتن کالا: خریدار می‌تواند پس از قبض، کالا را رد یا اساساً با قصد رد آنها را قبض کند (بند یک ماده ۸۶) یا اینکه علی‌رغم قصد رد، کالا

شیوه های پولی جبران خسارت قراردادی در حقوق ایران، امارات و..... ۱۳۱

در قبض وی قرار داده شود. (بند ۲ ماده ۸۶) در این حالت، اگر فروشنده با تأخیر غیرمتعارف کالا را پس بگیرد خریدار حق خواهد داشت کالا را بازفروش کند. در رأیی چنین آمده: «هنگامی که خریدار به درستی از پذیرش قرارداد فروش اتصالات داربست فلزی پس از تسلیم، امتناع می کند این امر مطابق ماده ۸۶ برای او متضمن تعهد نگهداری کالا به نفع فروشنده است و از آنجا که فروشنده نیز از استرداد کالا امتناع می ورزد، خریدار حق فروش دارد.» (http://uncitral.org.p^۱)

۳- تأخیر غیرمتعارف در پرداخت ثمن: حق فروشنده دائر بر فروش کالا در مواردی که خریدار در پرداخت ثمن تأخیر می کند در کنفرانس وین به کنوانسیون بیع بین المللی کالا اضافه شده است.

دیوان داوری ایران و امریکا نیز یکی از تصمیمات خود را با ماده ۸۸ کنوانسیون توجیه کرده است: «فروشنده از تسلیم تجهیزات، به دلیل امتناع خریدار از پرداخت ثمن خودداری کرد و دیوان داوری تصریح میکند که حق فروشنده به فروش تجهیزات تسلیم نشده به منظور تقلیل خسارات با حقوق شناخته شده قراردادهای بازرگانی بین المللی سازگارتر است. شروط ماده ۸۸ کنوانسیون تماماً محقق شده اند: در اینجا تأخیر غیرمتعارفی از سوی خریدار در پرداخت ثمن انجام شده و فروشنده اخطار معقول و متعارفی از قصد فروش خود ارسال کرده است.» (محسنی، ۱۳۹۰، ۱۵۰)

۴- تأخیر غیرمتعارف در پرداخت هزینه های حفظ کالا: در فرضی که بایع یا مشتری موظفند حسب مورد مبیع را مطابق مواد ۸۵ یا ۸۶ نگهداری کنند و طرف مقابل، حسب مورد از پرداخت هزینه های نگهداری خودداری می کند، نگهدارنده می تواند کالا را بازفروش کند.

الف - ۲) شرایط بازفروش اختیاری مبیع

۱- تأخیر غیرمتعارف: مقصود از تأخیر نامتعارف آن است که طرف دیگر از انجام عمل متناسب با موقعیت مبیع امتناع کند (Honnold, Ibid, ۵۸۳)، بدین ترتیب، در مواردی که بایع یا مشتری در حال اجرای حقوق خود مطابق قرارداد یا مقررات

۱۳۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

کنوانسیون هستند، اصل متعارف بودن ایجاب می‌کند که متعهد بنا بر اوضاع و احوال به صورت متعارف و معقول عمل کند. درباره شناسایی امور متعارف و معقول در این کنوانسیون، معیار مشخصی دیده نمی‌شود و به نظر می‌رسد در هر مورد باید با توجه به نوع و ماهیت تعهدات و حقوق مورد نظر تشخیص داده شود.

۲- اخطار قصد بافروش: مطابق بند ۳ ماده ۸۸ چنین اخطاری باید با توجه به اوضاع و احوال حاکم و به روشی که یک فرد متعارف آن را انجام می‌دهد صورت پذیرد. معیار آن است که طرف مقابل از فروش مبیع مطلع گردد و احیاناً بتواند مستقیماً یا با ارسال نماینده خود در موقع فروش حاضر باشد. بدین ترتیب ممکن است اخطار به طور شفاهی داده شود. (هجده تن از دانشمندان جهان، همان، ۱۹۴) به عبارت بهتر متعارف بودن اخطار ناظر به محتوا و زمان اخطار است. (Enderlein & Moskow,) (Ibid, ۳۶۱)

۳- فروش به طریق مقتضی: مقصود از فروش به طریق مقتضی آن است که فروشنده این عمل را به شیوه‌ای انجام دهد که در قانون ملی قابل اعمال در مکان فروش به رسمیت شناخته شده است و طرفی که کالا را می‌فروشد آن روش را به نفع حقوق طرفین قرارداد محسوب کند. (محسنی، ۱۳۹۰، ۱۵۱)

از این رو اگر در محل بافروش روش خاصی همچون حراج پیش‌بینی شده باشد باید مطابق آن عمل شود.

ب- بافروش الزامی مبیع

مطابق بند دوم ماده ۸۸ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا «هرگاه کالا در معرض فساد سریع یا نگهداری آن ملزم هزینه غیرمتعارف باشد، طرفی که مطابق ماده ۸۵ یا ۸۶ ملزم به نگهداری آنهاست مکلف است برای فروش آن، اقدامات متعارفی معمول دارد. او تا جایی که امکان دارد مکلف است اخطاری مبنی بر قصد فروش برای طرف دیگر ارسال کند.»

در این بند از عبارت «مکلف است» استفاده شده تا گویای الزام نگهدارنده به باز فروش باشد؛ چرا که در غیر این صورت، خسارت بیشتری وارد خواهد گردید و... در صورتی که وی به این تکلیف خود عمل نکند ضامن بوده، مسئول جبران خسارت صاحب مال خواهد بود. (صفایی و دیگران، ۱۳۸۴، ۴۳۲) از این رو، به موارد بازفروش و شرایط آن می پردازیم.

ب - ۱) موارد بازفروش الزامی مبیع

۱- بازفروش مبیع سریع الفساد: در مواردی ممکن است کالا در حال فساد سریع باشد که با توجه به نوع و زمان حمل و نقل و نگهداری کالای فروخته شده متغیر خواهد بود. فساد در اینجا ناظر به فساد فیزیکی است و کاهش قیمت کالا را دربر نمی گیرد. (هجده تن از دانشمندان جهان، همان، ۱۹۵) در این باره آرای نیز صادر شده که نشان می دهد تمسک به بند دوم ماده ۸۸ تنها در مواردی ممکن است که در واقع کالا در معرض فساد سریع باشد. از رأی دیگر این نکته قابل برداشت است که وقتی امکان احتراز از بروز فساد وجود دارد، هر چند کالا نوعاً سریع الفساد باشد نمی توان به بند ۲ ماده ۸۸ استناد کرد. از سوی دیگر دادگاه در پرونده ای کاهش قیمت گوشت آهو پس از کریسمس را به معنای فساد ندانسته است.

۲- نگهداری کالا با مخارج نامتعارف: نگهداری کالا در شرایطی ممکن است موجب بروز هزینه های هنگفتی شود به نحوی که ادامه نگهداری، اقتصادی و صحیح به نظر نیاید. در این صورت مطابق مواد ۸۵ و ۸۶ نگهدارنده مکلف است کالا را به نحو متناسبی بازفروش کند. این هزینه ها باید به نحو غیرمتعارفی افزایش یابد با توجه به اوضاع و احوال هر کالا، به ویژه نوع و جنس آن و نیز زمان و مکان حمل و نقل آن متفاوت خواهد بود. در مواردی که فروشنده مکلف است کالا را بازفروش کند توجه به این نکته مهم است که بند ۲ ماده ۸۸ استثنایی است بر حکم مقرر در ماده ۶۲ کنوانسیون. ماده ۶۲ چنین مقرر داشته است: «بایع می تواند تأدیه ثمن، قبض مبیع یا ایفای سایر تعهدات مشتری را از وی بخواهد، مگر اینکه به یکی از طرق جبران

۱۳۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

خسارتی که با این درخواست وی منافات داشته باشد متوسل شود.» (محسنی، همان، ۱۵۳)

ب - ۲) اقدامات بافروش الزامی مبيع

۱- انجام اقدامات متعارف برای بافروش: انجام اقدامات متعارف برای بافروش از جمله مستلزم آن است که نگهدارنده تا قبل از بافروش کالا، آنها را در مکانی مناسب نگهداری و تلاش کند با بازاریابی شایسته آن را به خریداری عرضه کند. او به طور کلی مکلف است بافروش مبيع را در زمان و مکان مناسبی انجام دهد، به نحوی که کمترین زیان را به کالا و طرف دیگر وارد کند؛ چه در غیر این صورت، ملزم به جبران ضرر وارد شده است و علاوه بر آن ممکن است حتی نتواند هزینه‌های خود را از طرف دیگر بگیرد. بر این اساس، در رأیی که در کمیسیون بین‌المللی داوری اقتصادی و بازرگانی چنین صادر کرده: مدت طولانی ذخیره سازی کالا تقریباً ۳ سال به صورت انبوه، اقدام متعارفی شناخته نشده است.

۲- ارسال اخطاریه: برخلاف بند ۱ ماده ۸۸، در بند یک این ماده ارسال اخطاریه، اختیاری است. علت تفاوت این دو بند روشن است؛ چه در مواردی که نگهدارنده به دلیل فساد مبيع یا افزایش نامتعارف هزینه‌های نگهداری آن ملزم است کالا را بافروش کند، فوریت و احتراز از هزینه و خسارت بیشتر ایجاب می‌کند این کار در اسرع وقت صورت پذیرد و هرگونه مانعی که فرایند بافروش را با تأخیر مواجه سازد به کنار گذارد. (محسنی، همان، ۱۵۴) با وجود این، تفاوت دیگری میان این دو بند دیده می‌شود و آن عدم ذکر ضرورت ارسال اخطار متعارف در بند دوم است و به نظر می‌رسد در مواردی که کالا در حال فساد سریع است این تفاوت موجه است؛ چه در این موارد حتی اگر عملاً ارسال اخطار به دلیل فوریت بافروش منتفی نشود و فرستادن آن ممکن باشد، لازم نیست اخطاریه در مهلتی معقول و متعارف به طرف دیگر برسد.

نتیجه گیری و پیشنهاد:

در نظامهای حقوقی سه گانه موضوع مقاله اصل لزوم جبران خسارت قراردادی مورد توجه قرار گرفته است و از لحاظ شیوه های جبران خسارت دادن پول شایع ترین و مهمترین وسیله جبران خسارت محسوب می شود.

شایان ذکر است که در زمینه روش های جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد هماهنگی بسیاری بین مقررات ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا وجود دارد و سیستم حقوقی ایران در پیوستن به این کنوانسیون از حیث موضوع مورد معامله با مانع عمده ای مواجه نیست. لیکن شیوه های جبران خسارت در کنوانسیون بیع بین المللی کالا نسبت به حقوق ایران از گستردگی و دایره شمول بیشتری برخوردار است.

روش پولی جبران خسارت از طریق باز فروش کالا در کنوانسیون بر اساس نظریه نمایندگی پذیرفته شده است که در حقوق ایران هم می تواند با مبنای مربوط به تأمین خواسته و توقیف و فروش اموال خوانده (وارد کننده خسارت) پذیرفته شود.

روش های پیش بینی شده در مقررات کنوانسیون ۱۹۸۰ وین که حاصل تجارب سالهای متمادی دانشمندان به نام جهان است و براساس اصول قراردادهای تجاری بین المللی و کنوانسیون قراردادهای بیع بین المللی تهیه و تدوین گردیده است، از تنوع بیشتری برخوردار است و خسارات وارده را به نحو کامل پوشش می دهد و حتی شامل عدم النفع و هزینه ها و مخارج مربوطه نیز می شود.

در حقوق امارات متحده عربی نیز خسارت مربوط به عدم النفع پذیرفته شده است و دادگاه در کاهش یا افزایش میزان خسارت وارده که تعدیل نامیده می شود مجاز است.

بنابراین پیشنهاد می شود که قانونگذار ایران مقررات کنوانسیون را مورد توجه قرار داده و شیوه های بیشتری را برای جبران خسارت پیش روی زیان دیده قرار دهد تا خسارت ایجاد شده به نحو بهتری جبران شود و رضایت وی جلب شود.

۱۳۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

منابع:

الف: فارسی

۱. آقا قلی زاده، ایلدار، نقض تعهدات بایع تحت مواد ۴۱ و ۴۲ کنوانسیون بیع بین المللی و طرق جبرانی، ۱۳۸۹.
۲. الجمال، مصطفی، النظر مه العامه للا لتزامات، ۱۹۷۸، اسکندریه، الحار الجامعیه.
۳. الدسوقی ابواللیل، ابراهیم، تعویض الضرر فی المسئولیه المدنیه، ۱۴۱۶، جامعہ الکویت.
۴. تستری، اسدالله، مقابس الانوار و نقائس الاسرار، ۱۴۱۹، قم، موسسه آل البیت.
۵. جلالی مهر، مائده، بررسی تطبیقی تعهدات مشتری در کنوانسیون بیع بین المللی کالا، حقوق ایران و انگلیس، ۱۳۹۴، چاپ اول، تهران، انتشارات نگاه بینه.
۶. شهیدی، مهدی، حقوق مدنی، آثار قراردادها و تعهدات، ج ۳۰، ۱۳۸۲، چاپ اول، تهران، نشر دوستان ناهید.
۷. صفایی، سید حسین، حقوق مدنی و حقوق تعهدات (مجموعه مقالات)، ۱۳۷۵، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۸. صفایی و همکاران، حقوق بیع بین الملل با مطالعه تطبیقی، ۱۳۸۴، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، ۱۳۷۶، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۰. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۳۷، ۱۴۰۰، چاپ هفتم، تهران، دارالکتب اسلامیة.
۱۱. هجده تن از دانشمندان جهان، تفسیری / حقوق بیع بین المللی، ج، ۱۳۷۴، ترجمه دکتر مهربان داراب پور، چاپ اول، کتابخانه گنج دانش.

ب: منابع لاتین

۱۲. Honnold, John O., Uniform Law For International Sales Under the ۱۹۸۰ United Nations Convention, Kluwer Law and Taxation Publisher, Deventer - Boston, ۱۹۹۱.
۱۳. Schlechtriem, Peter, The principle of full compensation, translated by Geoffrey Thomas . Commentary on the un convention on the international sale of Goods (CISG) D.۵۳۳/۱۹۹۸. Oxford University Press.
۱۴. Sondahl, www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/sondahl.html.
۱۵. Tunon, Muria (۱۹۸۷), Arnau, “The Actio Quanti Minoris and Sales of Goods Between Mexico and U.S.: Analysis of the Remedy of Reduction of the Price in the U.N Sales Convention, CISG Article ۵۰ and its Civil Law Antcedents” available at <http://ww.cisg.Law.pace.edu/cisg/iblio/muria.html>.